**٥١ - قانون عمومی ارتباط و تعاون و انتظام و اتّحاد عالم خلقت**

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است قوله العزيز: "اين جهان غير متناهی مثل هيکل انسانی است جميع اجزاء بيکديگر مرتبط در نهايت اتقان متسلسل يعنی اعضاء و ارکان و اجزاء هيکل انسان چگونه با يکديگر ممتزج و متعاون و متعاضد و از يکديگر متأثّر بهم چنين اجزاء اين کون نامتناهی مانند هيکل انسانی اعضاء و اجزايش بيکديگر مرتبط و از يکديگر معناً و جسماً متأثّر. مثلا چشم مشاهده نمايد جميع جسم متأثّر گردد سمع استماع کند جميع ارکان باهتزاز در آيد و در اين مسأله شبهه نيست زيرا عالم وجود نيز مانند شخص حيّ است پس از اين ارتباط که در ميان اجزای کائنات است تأثير و تأثّر از لوازم آن چه جسمانی چه معنوی از برای نفوسی که انکار تأثيرات معنويه در جسمانيّات نمايند اين مثل مختصر را ذکر ميکنيم و آن اين است که اصوات و الحان بديعه و آهنگ و آوازهای خوش عرضی است که بر هوا عارض ميشود زيرا صوت عبارت از تموّجات هوائيّه است و از تموّجات هوا اعصاب صماخ گوش متأثّر شود استماع حاصل گردد حال ملاحظه کنيد که تموّجات هوا که عرضی از اعراض است و هيچ شمرده شود روح انسانرا بجذب و وله آرد و بنهايت درجه تأثير بخشد، گريان کند، خندان کند، شايد بدرجه که بمخاطره اندازد. پس ملاحظه کنيد چه مناسبتی بين روح انسان و تموّج هواست که اهتزاز هوا سبب شود انسانرا از حالی بحالی اندازد و بکلّی منقلب نمايد بلکه صبر و قرار از برای او نگذارد. ملاحظه کنيد که چقدر اين قضيّه عجيب است زيرا از خواننده چيزی خروج نيابد و در مستمع دخول ننمايد با وجود اين تأثيرات عظيمه روحانيّه حاصل شود پس اين ارتباط عظيم کائنات را لابد از تأثيرات و تأثّرات معنويه است چنانکه ذکر شد که چگونه اين اعضاء و اجزای انسان متأثّر و موثّر در يکديگرند. مثلا چشم نظر کند قلب متأثّر شود، گوش استماع کند روح متأثّر شود، قلب فارق شود فکر گشايش يابد و از برای جميع اعضای انسان حالت خوشی حاصل آيد اين چه ارتباطی است اين چه مناسبات است؟ و چون در اعضای جسمانی انسان که کائنی از کائنات جزئيّه است اين ارتباط و اين تأثير و تأثرات معنويّه است البتّه بين اين کائنات کلّيه نامتناهيّه نيز ارتباط جسمانی و معنوی هر دو موجود و هر چند بقوای موجوده و فنون حاضره کشف اين روابط نتوان نمود ولی وجود روابط بين کائنات کلّيه واضح و مسلّم است. خلاصه اين است که اين کائنات چه کلّی و چه جزئی بحکمت بالغه الهيّه مرتبط بيکديگر است و مؤثّر و متأثّر از يکديگر و اگر چنين نبود در نظام عمومی و ترتيبات کلّی وجود اختلال و فتور حاصل ميشد ... اين مکمّليّتی که در هر کائنی از کائنات است شبهه نيست که بايجاد الهی منبعث از عناصر مرکبّه و حسن امتزاج بوده مقادير کميّت عناصر و کيفيّت و ترکيب و تأثيرات سائر کائنات تحقّق يافته پس جميع کائنات مانند سلسله مرتبط بيکديگرند و تعاون و تعاضد و تفاعل از خواصّ کائنات و سبب تکوّن و نشو و نمای موجودات است و بدلائل و براهين ثابت است که هريک از اين کائنات عموميّه حکم و تأثيری در کائنات سائره يا بالاستقلال يا بالتّسلسل دارد ... در اين کون الهی که در نهايت کمال و جمال و عظمت نمودار اين اجرام نورانيّه عالم جسمانی نامتناهی ليس فی الامکان ابداع مما کان اين فضای نامتناهی و آنچه در او است چنانچه بايد و شايد خلق و تنظيم و ترکيب و ترتيب و تکميل شده است هيچ نقصانی ندارد".